

کمتر شد می‌بینیم، یعنی عیسی، را که به زحمت موت، تاج جلال و اکرام بر سر وی نهاده شد تا به فیض خدا برای همه ذائقهٔ موت را بچشد.¹⁰ زیرا او را که بخاطر وی همه و از وی همه‌چیز می‌باشد، چون فرزندان بسیار را وارد جلال می‌گرداند، شایسته بود که رئیس نجات ایشان را به دردها کامل گرداند.¹¹ زانرو که چون مقدّس‌کننده و مقدّسان همه از یک می‌باشند، از این جهت عار ندارد که ایشان را برادر بخواند.¹² چنانکه می‌گوید: اسم تو را به برادران خود اعلام می‌کنم و در میان کلیسا تو را تسبیح خواهم خواند.¹³ و ایضاً: من بر وی توکل خواهم نمود. و نیز: اینک، من و فرزندی که خدا به من عطا فرمود.¹⁴ پس چون فرزندان در خون و جسم شراکت دارند، او نیز همچنان در این هر دو شریک شد تا بوساطت موت، صاحب قدرت موت، یعنی ابلیس، را تباه سازد؛¹⁵ و آنانی را که از ترس موت، تمام عمر خود گرفتار بندگی می‌بودند، آزاد گرداند.¹⁶ زیرا که در حقیقت فرشتگان را دستگیری نمی‌نماید، بلکه نسل ابراهیم را دستگیری می‌نماید.¹⁷ از این جهت می‌بایست در هر امری مشابه برادران خود شود تا در امور خدا کهنه‌ای کریم و امین شده، کفارۀ گناهان قوم را بکند.¹⁸ زیرا که چون خود عذاب کشیده، تجربه دید استطاعت دارد که تجربه‌شدگان را اعانت فرماید.

¹لهذا لازم است که به دقت بلیغ‌تر آنچه را شنیدیم گوش دهیم، مبدا که از آن ربوده شویم.² زیرا هر گاه کلامی که بوساطت فرشتگان گفته شد برقرار گردید، بقسمی که هر تجاوز و تغافل را جزای عادل می‌رسید؛³ پس ما چگونه رستگار گردیم، اگر از چنین نجاتی عظیم غافل باشیم؟ که در ابتدا تکلم به آن از خداوند بود و بعد کسانی که شنیدند، بر ما ثابت گردانیدند؛⁴ در حالتی که خدا نیز با ایشان شهادت می‌داد به آیات و معجزات و انواع قوآت و عطایای روح‌القدس برحسب ارادهٔ خود.

نجات عظیم

⁵زیرا عالم آینده‌ای را که ذکر آن را می‌کنیم مطیع فرشتگان نساخت.⁶ لکن کسی در موضعی شهادت داده، گفت: چیست انسان که او را بخاطر آوری یا پسر انسان که از او تفقّد نمایی؟⁷ او را از فرشتگان اندکی پست‌تر قرار دادی و تاج جلال و اکرام را بر سر او نهادی و او را بر اعمال دستهای خود گماشتی.⁸ همه‌چیز را زیر پایهای او نهادی. پس چون همه‌چیز را مطیع او گردانید، هیچ چیز را نگذاشت که مطیع او نباشد. لکن الآن هنوز نمی‌بینیم که همه‌چیز مطیع وی شده باشد.⁹ اما او را که اندکی از فرشتگان